

به یادبود رنه شار



ادوارد کلیسان

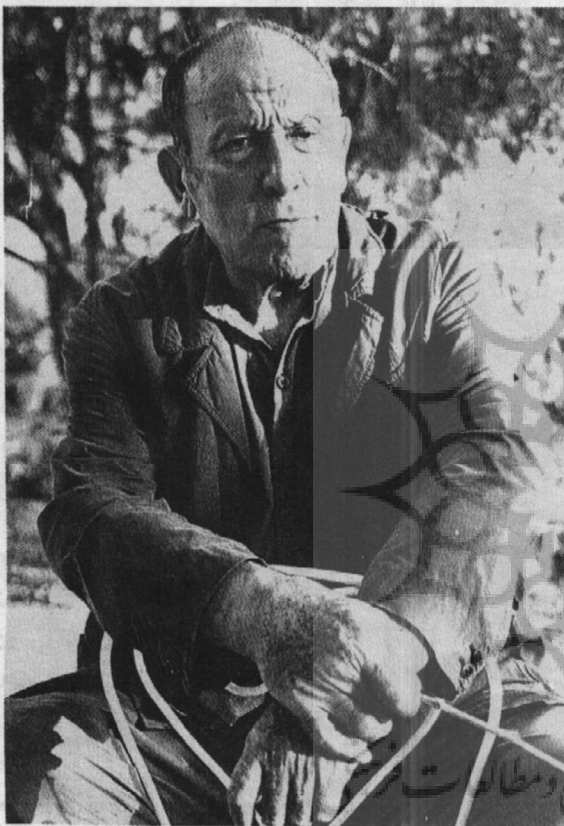


Photo © Lutfi Gzalek

رنه شار، شاعر فرانسوی (۱۹۰۷ - ۱۹۸۸)

(آن کس که به پر نشستن خاک را دیده است
هیچگاه روی شکست نخواهد دید، ولو همه چیز از دست
برود.)

رنه شار



Photo © Roger Canessa, Toulon

وقتی شاعری می‌میرد، بخشی از روشنایی جهان نیز می‌میرد؛ اما پژواک آثارش افق‌های تازه‌ای می‌گشاید. شاعران با برکنار ماندن از علائق ناپایدار و پیروزیهای زودگذر زندگی روزمره، نشانه و حتی گاه سرچشمه جریانه‌های ژرفتری‌اند که مسیر حرکت جهان را تعیین می‌کنند.

رنه شار به سان خراطی که پشت دستگاهش نشست و در تمرکزی ساکت به کار خویش ادامه می‌دهد، زبان فرانسه را می‌گیرد و فرم بیانی بدیعی از آن می‌تراشد که حد واسط شعر شبانی و کلمات قصارند. عبارتها مانوس‌اند؛ و ترکیبها با تمام رمزآمیز بودنشان، احساس برانگیزند. و همین او را به سرچشمه خرد انسانها، به دنیای نوشته‌های مبتنی بر سنتهای شفاهی مردمی می‌کشاند که در آن شاعر چنان ساده با مواد خام واژه‌ها کار می‌کند که انگار کوزه‌گری با خاک. چنین شعری حتی اگر ماندگاری خود را به ابعاد نوشتاری مدیون باشد، در فصل مشترک کلام مکتوب و شفاهی جای می‌گیرد. درباره این شعر می‌توان همان سخنی را نقل کرد که ژان گروسژان درباره آنجیلها گفت: «... مشخصاً گفتاری اما به نحو استادانه‌ای نوشتاری‌اند.»

این وصلت غریب ایجاز خارا این نوشتار با لطافت گوش‌آشنای کلام، در نزد رنه شار با آتش عدالت و زیبایی عجین شده است. با نیروهای تاریکی در مبارزه بود اما هرگز قضایا را ساده نمی‌کرد و هیچگاه به محکوم کردنهای کلی متوسل نمی‌شد. در یکی از بهترین و عمیقترین کتابهای شعرش Feuilletsd' hypnos در زمان (۱۹۴۳ - ۱۹۴۴) رهبری یک گروه مقاومت در وکلوز علیه نیروهای اشغالگر نازی چنین نوشت: «از آزادی دعوت می‌کنیم در تمام وعده‌های خوراک در کنارمان بنشینید. صندلی خالی می‌ماند اما جایش همیشه خالی است.»

سرچشمه شادمانی و سعادت که در نوشته‌های رنه شار به چشم می‌خورد بی‌شک دلبستگی پرشورش به محیط وکلوز است که هیچگاه ترکش نکرد. در این سرزمین پرتوهای سوزان که عشق به نقاشی و نقاشانی چون براک، میرو، لام و ویرا داسیلوا را به او هدیه کرد، در این سرزمین سکوت محض که پژواک پرابهامش را در کلمات قصار و یادداشتهای فلسفی در جستجوی قاعده و رأس (۱۹۴۱ - ۱۹۶۵) می‌توان باز شنید، در این سرزمین پربرکت آبهای نور تافته و نجوای گنگ درختان زیتون، آری در همین سرزمین ویژه بود که رنه شار ریشه‌های میل سرکوب نشدنی‌اش را به آفرینندگی، عشق‌ورزی و پیشتر رفتن، میلی که او را هم‌عصر تک‌تک ساکنان این سیاره می‌سازد، در خاک دواند.